

توضیحات

مسائل اساسی مارکسیسم

این اثر در نوامبر و دسامبر ۱۹۰۷ برای یادنامه بیست و پنجمین سالمرگ کارل مارکس نوشته شد ولی پلخانیف از درج آن در آنجا امتناع نمود زیرا وی مایل نبود نوشته‌اش در کنار آثار پ. یوشکویچ و سایر تجدید نظر طلبان که او بد درستی نظرات ایشان را با مارکسیسم ناسازگار می‌دانست چاپ شود. اما مقاله در ۱۹۰۸ به شکل جزوه مستقلی انتشار یافت.

۱. اشاره به مکتبی فلسفی است که در سده ششم پیش از میلاد مسیح در آسیای صغیر رواج یافت که هوادار ماتریالیسم ساده و دیالکتیک خودپدخودی بود. فیلسوفان این مکتب بر این عقیده بودند که انواع گوناگون ماده بنیان کائنات را تشکیل می‌دهند. نالی آب، آناکسیمنس هوا، و هراکلیتوس آتش را آن بنیاد می‌دانستند و جز آنها، بدین گونه پدیده‌های گوناگون طبیعت نتیجه تغییرات یا تغییر شکل آن اصل بنیادی پنداشته می‌شد.

۲. هیلوزوئیسم نظریه‌ای فلسفی است که به ماده نوعی زندگی یا احساس نسبت می‌دهد و هیچ تمایزی میان ماده زنده و غیر زنده قائل نیست. این

نظریه (مثلاً در نزد اسپینوزا) در خدمت بیان نگرش ماتریالیستی قرار گرفته است.

۳. در نسخ‌های از این کتاب که در کتابخانه پلخائف محفوظ است، حاشیه زیر به خط خود پلخائف در مقابل نقل قول آدلر نوشته شده: «آدلر این را فراموش کرده است».

۴. انگلس، آنتی دورینگ، مسکو، ۱۹۷۵، صفحه ۱۵.

۵. مدرنیسم، گرایشی در الهیات کاتولیک رومی در پایان سده نوزدهم و اوایل سده بیستم که هدفش آشنی دادن اعتقادات کاتولیکی و علم معاصر بود. در سپتامبر ۱۹۰۷ این گرایش در پخشنامه‌ای که از سوی پاپ پیوس دهم انتشار یافت محکوم شد.

۶. پیش‌بینی پلخائف در باره احتمال کوشش برای «تکمیل مارکس» با توماس آکیناس درست در آمده است. نوئوماس گرایان، پیروان امروزی توماس آکیناس (نوئوماس‌گرایی فلسفه رسمی واتیکان است) به منظور اغفال زحمتکشان غالباً کوشیده‌اند مارکس را «تکمیل کنند». چنین کوششی هم توسط مارسل ردینگ نوئوماس‌گرا به عمل آمد. وی در کتابش توماس آکیناس مقدس و کارل مارکس منتشره در سال ۱۹۵۳ کوشیده است که ثابت کند کارل مارکس و توماس آکیناس یک معلم مشترک داشتند - ارسطو - و اینکه وجه مشترک زیادی در نظرات فلسفی‌شان وجود دارد. ردینگ این وجه مشترک را «در مبارزه برای احیای... جهان مادی» و در تأکید بر تبعیت خاص از عام و جز آن می‌بیند.

۷. نگاه کنید به مارکس و انگلس، منتخب آثار، جلد ۳، مسکو، ۱۹۷۳، صفحات ۷۶ - ۳۳۵. برای مقدمه پلخائف و یادداشت‌هایش به این اثر، نگاه کنید به منتخب آثار او، جلد ۱، مسکو، ۱۹۷۴، صفحات ۴۸۵ تا ۵۳۶.

۸. نگاه کنید به مقاله «سوسیالیسم: تخیلی و علمی» مارکس و انگلس

منتخب آثار، جلد ۳ مسکو ۱۹۷۳ صفحات ۹۵ تا ۱۵۱.

۹. *Die Neue zeit* ارگان حزب سوسیال-دمکرات آلمان که میان سال‌های

۱۸۸۳ و ۱۹۲۳ منتشر می‌شد. میان سال‌های ۱۸۸۵ و ۱۹۸۴ سلسله

مقالاتی از فریدریش انگلس در این مجله چاپ شد. انگلس غالباً به

هیئت تحریریه هشدار می‌داد و آن را به لحاظ انحرافات از مارکسیسم

شدیداً مورد انتقاد قرار داد. در سال‌های آخر سده نوزدهم پس از مرگ

انگلس در این روزنامه به طور منظم مقالاتی که توسط تجدید

نظر کنندگان در مارکسیسم نوشته می‌شد درج می‌گشت. در طی جنگ

جهانی اول، این روزنامه موضعگیری کائوتسکی گرایانه و مرکز گرایانه

انخاذ کرده و از سوسیال شووینیست‌ها پشتیبانی می‌کرد.

۱۰. اشاره به کارل مارکس و فریدریش انگلس است، مجموعه آثار، جلد ۶،

مسکو ۱۹۷۶ صفحات ۲۱۲-۱۰۵.

۱۱. عنوان کامل نخستین سه جلد این مجموعه چنین است:

Aus dem literarischen Nachlass von Karl Marx, Friedrich

Engels und Ferdinand Lassalle, Hrag. von Franz Mehring.

Stuttgart 1902, Bd. I, II, III. *Gesammelte Schriften von Karl*

Marx und Friedrich Engels von März 1841 bis Oktober 1850.

۱۲. *سالنامه آلمانی - فرانسوی بویراستاری کارل مارکس و آرنولد روگد* به

زبان آلمانی در پاریس منتشر می‌شد. تنها نخستین شماره (دو شماره در

یک جلد) در سال ۱۸۴۴ انتشار یافت با مقالاتی از مارکس؛ «در باره

مسئله یهود» (مارکس، انگلس، مجموعه آثار جلد ۱، صفحات

۷۷-۳۷۴)، «مقدمه‌ای بر انتقاد از فلسفه حق هگل» (مارکس،

انگلس، مجموعه آثار جلد ۱ صفحات ۵۲۴-۴۹۹) و «وضع انگلستان،

گذشته و حال به قلم توماس کارلایل» (مارکس، انگلس، آثار جلد ۱

صفحات ۴۹-۵۲۵).

۱۳. مارکس و انگلس، مجموعه آثار ۲۷، صفحات ۲۱-۴۱۹.
۱۴. پانته‌ئیسیم، نظریه‌ای فلسفی که خدا و طبیعت را یکی می‌داند و طبیعت را بد مشابه تجلی مادی خدا می‌شمارد. پانته‌ئیسیم در سده‌های شانزدهم و هفدهم گاه حامل ایده‌های ماتریالیستی و خداناباوری بود مثلاً در جیوردانو برونو و بندیکت اسپینوزا.
۱۵. کارل مارکس و فریدریش انگلس، خانواده مقدس، مسکو ۱۹۵۶.
۱۶. نگاه کنید به مارکس و انگلس، منتخب آثار، جلد ۱، مسکو ۱۹۶۹ صفحات ۱۵-۱۳. پلخانف از وجود دیگر آثار مارکس و انگلس در مورد مسائل فلسفه از جمله ایدئولوژی آلمانی، دست نوشته‌های اقتصادی و فلسفی ۱۸۴۴ و دیالکتیک طبیعت انگلس آگاهی نداشت.
۱۷. پلخانف بد کتاب ف. لانگه نوکانتی بد نام تاریخ ماتریالیسم و نقد ارزش آن در امروز اشاره دارد.
۱۸. کارل مارکس و فریدریش انگلس، منتخب آثار جلد ۳، مسکو ۱۹۷۳ صفحه ۳۴۸.
۱۹. اینجا پلخانف باز هم از:
Sämtliche Werke, Leipzig, O. Wigand, Bd. I-X 1846-1866.
فرنریاخ نقل قول می‌کند.
۲۰. پلخانف از:
Geschichte der neuern Philosophie von Bacon von Verulam bis Benedict Spinoza.
فوئرباخ نقل می‌کند.
۲۱. مارکس و انگلس، خانواده مقدس، ۱۹۵۶، ص ۱۷۷.
۲۲. کارل مارکس و فریدریش انگلس، خانواده مقدس، مسکو، ۱۹۵۶، صفحات ۶۹-۱۶۸.

۲۳. اسپریتو آلیسم. نظریه‌ای دینی - ایدئالیستی در فلسفه که روح را به مثابه گوهر و بنیان جهان می‌داند. در متن حاضر این نظریه مترادف با ایدئالیسم آمده است.
۲۴. مارکس، وانگلس، *خانواده مقدس مسکو*، ۱۹۶۵، صفحات ۶۹-۱۶۸ و ۱۲۶.
۲۵. گوهر Substance، بنیان تغییرناپذیر و ماهیت همه اشیاء و پدیده‌ها. برای ایدئالیست، گوهر عبارت از روح، ایدئو و خدا است در حالی که این مفهوم برای ماتریالیست به معنای ماده است. ماتریالیسم دیالکتیک وجود گوهر تغییرناپذیر را منکر است و ماده را در حالت تکامل و تغییر دائمی می‌داند.
۲۶. نقل قول از *Geschichte der neuen Philosophie* فون ریباخ مجموعه آثار، جلد چهارم، ص ۳۸۵ است.
۲۷. اشاره بر خطاست. باید چنین باشد: آثار، جلد ۴، ص ۳۹۲ نقل قول از همان کتاب است.
۲۸. مارکس و وانگلس، *خانواده مقدس مسکو*، ۱۹۵۶، ص ۱۷۷.
۲۹. وانگلس، *آنتی دورینگ*، مسکو، ۱۹۷۵، ص ۱۳۲.
۳۰. فلسفه نظری (Speculative) اصطلاحی عام برای نامیدن نظام‌های فلسفی ایدئالیستی است مبتنی بر تعقل مشاهده‌ای جدا از عمل و تجربه.
۳۱. نظریه شناخت Epistemology بخشی از فلسفه که منابع، وسایل و شرایط شناخت را مطالعه می‌کند.
۳۲. مارکس و وانگلس، *منتخب آثار*، جلد ۳، مسکو، ۱۹۷۶ صفحات ۷۶-۳۳۵.
۳۳. نقل قول نادرست است. در اصل عبارت فون ریباخ، مبتدای جمله Leiden به معنای درد و ألم بوده است که در اینجا Sein به معنی هستی آمده است.

۲۴. اشاره است به فیلسوفان روسی از جمله - در این مورد خاص - به چرنیشفسکی. پلخانف تأکید دارد به تأثیری که نمایندگان ماتریالیسم پیش از مارکسیسم در اروپای غربی بر ایشان داشته‌اند. در مورد این تأثیر آشکارا غلو شده است. به طوری که جنبه دیگر موضوع یعنی خصلت خلاق و اصیل فلسفه روسی به سکوت بر گزار شده است. بدین گونه که پلخانف چرنیشفسکی را شاگرد، وفادار فونرباخ می‌داند. وی یا همسان شمردن ماتریالیسم چرنیشفسکی و فونرباخ خصلت مستقل و خلاق نگرش‌های چرنیشفسکی را انکار می‌کرد و به ارزش ماتریالیسم فلسفی او کم بها می‌داد.
۲۵. مرجع نادرست است. صفحه ۲۴۹ باید باشد نه ۲۶۳.
۲۶. آنیمیم (جان‌گرایی) اعتقادی بود در جامعه آغازین مبنی بر اینکه در نیروها و پدیده‌های طبیعت روح یا جان به ودیعه گذاشته شده است.
۲۷. در صفحاتی که پلخانف به آن اشاره می‌کند، گامپرز از این حقیقت سخن می‌دارد که ضرورت یافتن توجیهی برای وجود کثیری از اشیاء همبسته. به ویژه جانوران و گیاهان، انسان را به اعتقاد به مخلوقات اولیه‌ای که در سرزمین ارواح ساکنند و نمونه‌ها و الگوهای اشیاء به شمار می‌روند، می‌کشاند. این گرایش اندیشه بشری به گفته گامپرز، بنیان نظریه افلاطون را تشکیل می‌دهد.
۲۸. «آش شله قلمکار النقاط گرایسی» عبارتی است که انگلس آن را در مقدمه کتاب لودویک فونرباخ و پایان فلسفه کلاسیک آلمانی (ترجمه فارسی به همین قلم صفحه ۱۰) به کار برده است. انگلس فلسفه‌ای را که در پایان سده نوزدهم در دانشگاه‌های آلمان تدریس می‌شد بدین گونه توصیف می‌کند.
۳۹. عنوان کامل چنین است:

Lebensjahres - gewidmet, Leipzig, 1906.

۴۰. اشاره است به آنچه به نام «فلسفه همسانی» معروف است. نمایندگان اصلی آن شلینگ و هگل بودند.
۴۱. مرجع در متن نادرست است. به جای II، ۳۴۰ بخوانید II، ۲۳۹.
۴۲. مرجع نادرست است. جلد و صفحات باید خوانده شود II، ۳۰۸ ند X، ۱۸۷.
۴۳. نگاه کنید به مارکس و انگلس، *منتخب آثار*، جلد ۱، مسکو ۱۹۷۶ صفحات ۱۵-۱۳.
۴۴. نگاه کنید به مارکس و انگلس، *منتخب آثار*، جلد ۱، مسکو ۱۹۷۶ ص ۱۳.
۴۵. نگاه کنید به کارل مارکس، *مقدمه‌ای بر نقد اقتصاد سیاسی* (مسکو، ۱۹۷۰، ص ۲۰). بررسی دستنویس نخستین نسخه این رساله نشان می‌دهد که پلخائف پس از نوشتن کلمات: «در نقد فلسفه حق هگل او نشان داد که روابط متقابل در اجتماع...» او قصد داشت اندیشه خود را ادامه دهد ولی کلماتی را که نوشته بود خط زد و به جای آنها نقل قولی را آورد که با کلمات «روابط قانونی» آغاز می‌شود. در نتیجه این گمان خطا به وجود آمد که نقل قول مزبور به نقد فلسفه حق هگل اشاره دارد.
۴۶. پلخائف از انگلس «وضع انگلستان، گذشته و حال به قلم توماس کارلایل» نقل می‌کند (نگاه کنید به مارکس و انگلس، *آثار جلد ۱*، ص ۴۹۹ - (۵۲۵).
۴۷. کارل مارکس، *فقر فلسفه* مسکو، صفحات ۲۱ - ۱۱۶.
۴۸. نگاه کنید به کاپیتال، جلد ۱، مسکو ۱۹۷۵، ص ۲۹.
۴۹. نگاه کنید به بخش ۲ مقاله «یک مدافع جدید خودکامگی، در منتخب آثار فلسفی پلخائف، جلد ۱، مسکو، صفحات ۲۱ - ۴۱۳.
۵۰. انگلس، *آنتی دورینگ*، مسکو، ۱۹۷۵، ص ۸۰.
۵۱. نگاه کنید به همین کتاب.

۵۲. پلخانف به ارزش آثار دووری پربها می دهد. تیمیریازف در مقاله اش «وجه اساسی تاریخ تکامل زیست شناسی در سده نوزدهم» چنین می نویسد: «کوشش دووری... در اصل هیچ چیز را تغییر نداده است و به مفاهیم داروین، حتی در مسأله خاص جهش هیچ چیز نیفزوده است. داروین نیز امکان هم تغییرات ناگهانی که در جهش ها بروز می کند و هم تغییرات تدریجی تر و عام را اجازه می داد. حتی چیزی که در حال حاضر الزام آور سازد که به مفهوم اولی ارزش نه فقط منحصر بنگد حتی مسلط نسبت دهم وجود ندارد.»
۵۳. اشاره به فلسفه هگل به عنوان «یک علم جبر حقیقی انقلاب» توسط هرتسن در فصل ۲۵ بخش ۴ زندگی و اندیشه های من آمده است.
۵۴. مارکس، کاپیتال، جلد ۱، مسکو ۱۹۷۴، ص ۲۹.
۵۵. نگاه کنید به مارکس مقدمه ای بر نقد اقتصاد سیاسی، مسکو، ۱۹۷۰، ص ۲۵.
۵۶. نگاه کنید به مارکس، کاپیتال، جلد ۱، مسکو ۱۹۷۵، ص ۴۸۱.
۵۷. نگاه کنید به مارکس و انگلس، منتخب آثار جلد ۱، مسکو ۱۹۷۶، ص ۱۵۹.
۵۸. سال انتشار نادرست است. عنوان کامل کتاب روسه ص ۴۳ چنین است. *Les maitres de guerre, Frédéric II, Napoleon, Moltke' Essai critique d'apres les travaux inédits de M. le général, Paris, 1899.*
۵۹. نگاه کنید به مارکس، کاپیتال جلد ۱، مسکو ۱۹۷۵، ص ۴۸۱.
۶۰. نگاه کنید به مارکس و انگلس، منتخب آثار، جلد ۱، مسکو ۱۹۷۶، ص ۴۴۱.
۶۱. The Hereros نام قبیله ای در جنوب غربی آفریقا است. در سال ۱۸۸۴ اینان زیر سلطه امپریالیست های آلمان که رؤیمی مبتنی بر ترور

بی‌رحمانه به منظور برده ساختن آنان به وجود آوردند قرار گرفتند. آلمانی‌ها دهکده‌ها را با خاک یکسان کردند، مردان و زنان و کودکان را از دم تیغ گذراندند و بازماندگان را به نواحی متروک صحرایی راندند. ۲۰ سال طول کشید تا آلمانی‌ها توانستند بر مقاومت قهرمانی این قبیله فائق آیند. پیکار مردم، با قیامی که در ژانویه ۱۹۰۴ به وقوع پیوست به اوج خود رسید. در اوت همان سال نیروهای قبیله در هم شکست و تعقیب شورشیان آغاز شد و با نابودی وحشیانه آنان در صحرای بی‌آب و علف اوماهک در سال ۱۹۰۷ پایان یافت. لنین در «خلاصه تاریخ جهان پس از ۱۸۷۰ جنگ علیه هررروها» از قیام اعضای این قبیله یاد کرده است (لنین کلیات آثار، جلد ۳۹، ص ۷۰۰).

۶۲. انسان دیلوویال. نام کلی برای تمایز نژادهای انسانی که پیش از پایان دوره بعد از یخ وجود داشتند.

۶۳. این ادعای پلخانف نمونه مفهوم منشویکی او از مسأله خصلت نیروهای محرک انقلاب روسیه است. پلخانف چون فکر می‌کرد که در روسیه، انقلاب باید با انگاره انقلابات بورژوازی در غرب مطابقت داشته باشد، مانند اکثر رهبران بین‌الملل دوم به این نظریه معتقد بود که یک دوره کامل تاریخی باید همیشه انقلاب بورژوازی و انقلاب پرولتاریایی را از هم جدا کند. پلخانف فکر می‌کرد که در روسیه - یک کشور عمدتاً دهقانی - که تکامل صنعتی در آنجا دیرتر از جاهای دیگر آغاز شده است، زمان برای تصادم میان نیروهای مولد و روابط تولید سرمایه داری هنوز فرا نرسیده است. بنابراین وی بر این باور بود که برای انقلاب سوسیالیستی در روسیه هنوز شرایط عینی وجود ندارد.

۶۴. ن. ک. کارل مارکس مقدمه‌ای بر نقد اقتصاد سیاسی، مسکو، ۱۹۷۵، ص ۲۱.

۶۵. همانجا صفحات ۲۲ - ۲۱.

۶۶. ظاهراً اشاره پلخاتف به یادداشت انگلس بر چاپ سوم کا پیتال (۱۸۸۳) است که در آن انگلس می‌نویسد: مطالعه تحقیقی بیشتر وضع ابتدایی انسان، مؤلف را (یعنی مارکس را، ویراستار) به این نتیجه رساند که این خانواده نیست که در اصل به قبیله تکامل یافت بلکه بر عکس قبیله شکل ابتدایی و خود به خود متکامل جامعه انسانی بر مبنای رابطه خونی بود و با نخستین تزلزل‌ها و سستی‌ها در قیود قبیله‌ای، شکل‌های متعدد و گوناگون خانواده بعداً به پیدایی آمدنده، (نگاه کنید به مارکس، کا پیتال، جلد اول، مسکو ۱۹۷۲ زیر نویس ص ۳۲) و نیز نگاه کنید به مقدمه فریدریش انگلس، منتخب آثار، جلد ۳، مسکو ۱۹۷۳، صفحات ۹۲-۱۹۱.
۶۷. نگاه کنید به مارکس و انگلس، منتخب آثار، جلد ۱ مسکو ۱۹۷۶ صفحات ۱۱-۱۱۰.
۶۸. نگاه کنید به مارکس و انگلس، منتخب آثار، جلد ۱، مسکو ۱۹۷۶، ص ۱۲۵.
۶۹. اشاره پلخاتف به جزوه‌ای است به قلم برنشتاین که در مارس ۱۸۸۹ انتشار یافت. به ویژه برنشتاین ادعا کرد که: «... در آغاز مارکس و انگلس برای عوامل غیر اقتصادی سهم بسیار کوچکی قائل بودند... تا در آثار بعدی‌شان».
۷۰. به نقل از نامه انگلس به بلوخ مورخ ۲۲-۲۱ سپتامبر ۱۸۹۰. نگاه کنید به مارکس و انگلس منتخب نامه‌ها، ۱۹۷۵، ص ۳۹۵.
۷۱. به نقل از نامه انگلس به بورژویوس مورخ ۲۵ ژانویه ۱۸۹۴، نگاه کنید به مارکس، منتخب آثار جلد ۳، مسکو ۱۹۷۶، ص ۵۰۲.
۷۲. به نقل از نامه انگلس به بورژویوس مورخ ۲۵ ژانویه ۱۸۹۴، نگاه کنید به مارکس، منتخب آثار جلد ۳، مسکو ۱۹۷۶، ص ۵۰۳.
۷۳. نگاه کنید به مارکس و انگلس، برگزیده نامه‌ها، مسکو، ۱۹۶۵ ص ۴۶۷.

۷۴. کلمات پایانی در مقابل عنوان مقدمه کانت بر هر متافیزیک آینده‌ای که ممکن است در قلمرو یک علم بوجود آید، آمده است.
۷۵. افسانه منظوم - یکی از قصه‌های موزون کوتاه شاعران فرانسوی قرون وسطی که معمولاً به شکل مستهجن و هجوآمیز بود. در مصراع‌های هشت سیلابی و معمولاً به شکل مثنوی سروده شده بودند. *Chanson de geste* (به فرانسه: به معنی تحت الفظی تراندای است که در باره کارهای برجسته) یکی از انواع شعرهای حماسی قدیمی فرانسوی.
۷۶. مکتب داوید. پلخائف این اندیشه را به طور مفصل در مقاله‌ای تحت عنوان «ادبیات دراماتیک فرانسه و نقاشی سده هژدهم فرانسه از دیدگاه جامعه‌شناسی» گسترش داد که در آن وی در باره علل اجتماعی پیدایش مکتب داوید نیز بحث کرد.
۷۷. نگاه کنید به مارکس و انگلس، برگزیده نامه‌ها، مسکو ۱۹۶۵ صفحات ۶۸-۴۶۷.
۷۸. عنوان کامل کتاب فوئرهارد چنین است:
Die Entstehung der Stile aus der politischen Okonomi. Eine Kungstgeschichte von Franz Feuerherd, Erster Teil. Der bildende Kunst der Griechen und Römer. Braunschweig und Leipzig, Verlag von R. Sattler, 1902.
۷۹. در دستنویس نسخه اولیه مقاله به جای «اشکال»، عوامل نوشته شده است.
۸۰. عنوان کامل کتاب چسنو چنین است:
Ernest Chesneau, La peinture française au XIXe siècle. Les chefs d'école, L. David, Gros, Gericault, Decamps, Ingres, E. Delacroix, 3e édition, Paris, 1883.
۸۱. Hippolyte Taine, *Philosophie de Part*, 5 édition, Paris,

1890, 1, p. 116.

- ۸۲ نگاه کنید به مارکس و انگلس، خانواده مقدس، مسکو، ۱۹۵۶، ص ۱۶۸.
- ۸۳ نگاه کنید به مارکس و انگلس، منتخب آثار، جلد ۲، مسکو ۱۹۷۶، ص ۱۵۱.
- ۸۴ سانکت ماکس - فصلی از ایدئولوژی آلمانی نوشته مارکس و انگلس، پلخائف از مجله اسناد سوسیالیسم نقل می کند.
- ۸۵ محاکمات هاردن - مولتکه - در ۱۹۰۷، ماگزیمیلیان هاردن، نویسنده و روزنامه نویسی مشهور (هاردن نام مستعار ویتکوفسکی بود). رشته مقالاتی جنجالی در باره فسق و فجور در میان ملازمان قیصر ویلهلم دوم (سرلشکر مولتکه، ف. ایلنبورگ و جز آنها) منتشر ساخت. نتیجه آن محاکمه معروفی بود که به افشای دارودسته قیصر پایان یافت.
- ۸۶ نگاه کنید به مارکس و انگلس کلیات آثار جلد ۶ مسکو ۱۹۷۶، ص ۱۶۵.
- ۸۷ نگاه کنید به انگلس، آنتی دورینگ، مسکو ۱۹۷۵، ص ۳۲۵.
- ۸۸ نگاه کنید به انگلس، آنتی دورینگ، مسکو ۱۹۷۵، صفحات ۱۳۷ - ۱۳۶.
- ۸۹ نگاه به یادداشت ۹۰.
- ۹۰ برنامه ارضی کادتها در کنگره افتتاحیه حزب در اکتبر ۱۹۰۵ تصویب شد. کادتها به منظور جلب پشتیبانی دهقانان ماده ای را در برنامه خود گنجانده بودند مبنی بر امکان گسترش مالکیت دهقانی به حساب اراضی دولتی، موقوفات کلیسا و املاک خصوصی که به قیمت عادلانه به دهقانان فروخته می شد. برنامه مزبور به منظور نیل به هدف فوق حتی از واگذاری اجباری «اراضی ملاکین سخن می گفت. ولی کادتها حزب اصلی بورژوازی لیبرال بودند و سیاست ارضی آنها متوجه حفظ مالکیت ارضی و گسترش روابط سرمایه داری در کشاورزی بود. لنین می نوشت

ه کادت‌ها می‌خواستند نظام ارضی اربابی را با دادن امتیازاتی حفظ کنند. ایشان پرداخت غرامت از سوی دهقانان را پیشنهاد می‌کردند که قبلاً در سال ۱۸۶۱ دهقانان را خانه خراب کرده بوده (کلیات آثار جلد ۲، ص ۳۲۸).

۹۱. نگاه کنید به مارکس مقدمه‌ای بر نقد اقتصاد سیاسی، مسکو ۱۹۵۰، ص ۲۰.

۹۲. نگاه کنید به پلخانف تکامل نگرش مونیستی به تاریخ، مسکو ۱۹۷۴.

۹۳. اشاره به جریان‌های گونه‌گون فلسفه کانت گرایی نو به ویژه به مکتب بادن آن است. ریکرت، ویندل‌باند و سایر نمایندگان آن، می‌کوشیدند ثابت کنند که در تکامل اجتماعی قانونمندی وجود ندارد، طوری که سخن از علم جامعه‌شناسی نمی‌تواند در میان باشد. نمایندگان این فلسفه ادعا می‌کردند بر خلاف علوم طبیعی که - به زعم اینان - فقط با مفاهیم عام عمل می‌کند و خاص و جزئی را به دیده نمی‌گیرد، علوم اجتماعی با رویدادهای فردی و نامکرر سروکار دارند و در نتیجه محکومند که صرفاً توصیفات ظاهری و خارجی از پدیده‌های زندگی اجتماعی به دست دهند. نوکانت‌گرایان زیر شعار «نقد گرایی» (اصطلاحی که کانت برای توصیف فلسفه خود به کار می‌برد) قرار گرفتند و می‌کوشیدند جنبه‌های ماتریالیستی نظریه کانت را تحت الشعاع گرایش‌های ایده‌آلیستی آن قرار دهند. این ایده‌های نوکانت‌گرایی از سوی دشمنان مارکسیسم در پیکار به ضد ماتریالیسم تاریخی وسیعاً شیوع یافت.

۹۴. نگاه کنید به مارکس و انگلس، منتخب آثار، جلد ۳، مسکو ۱۹۷۳ صفحات ۲۴ - ۱۳۳.

۹۵. مارکس، مقدمه‌ای بر نقد اقتصاد سیاسی، مسکو ۱۹۷۰ ص ۲۱.

۹۶. نگاه کنید به مارکس و انگلس کلیات آثار، جلد ۴، مسکو ۱۹۷۵، ص ۲۸.

۹۷. این کلمات را می‌توان در نقد پیشداوری‌های فلسفی به ضد مالکیت

اشتراکی چرنیشتفسکی یافت.

چند کلمه در دفاع از ماتریالیسم اقتصادی

این پاسخی به مقاله «در باره ماتریالیسم اقتصادی» نوشته نویسنده بورژوا-لیبرال و. آ. گلتسف بود که در شماره آوریل ماهنامه روسکایا میسل سال ۱۸۹۶ انتشار یافت. مقاله پلخانف در همان سال در شماره ۹ ماهنامه مزبور با عنوان «نامه سرگشاده به آ. گلتسف» با امضای مستعار اوشاکف درج گردید.

۱. روسکایا میسل (اندیشه روسی) ماهنامه‌ای ادبی، سیاسی بود که از ۱۸۸۰ تا ۱۹۱۸ در مسکو انتشار می‌یافت؛ تا ۱۹۰۵ گرایش لیبرال نارودنیک داشت. مقالات مارکسیست‌ها در دهه ۱۸۹۰ در آن درج می‌شد.

۲. پلخانف این کتاب را با نام مستعار بلتف انتشار داده است.

۳. این نظریه را فوستل دوکلانژ در *La cité antique* گسترش داد.

۴. این یادداشت از متممی که در آرشیو پلخانف پیدا شده برداشته شده است.

۵. این نوع تشخیص‌ها مختص پزشک خیالی اسگانارل در کمدهای مولیر است:

Le Médecin malgré lui, and Le Médecin volant.

۶. ک. مارکس و ف. انگلس، منتخب آثار در ۳ جلد، جلد اول، مسکو، ۱۹۳۳، ص ۱۵۹.

۷. ابلوموف، عنوان یکی از اشخاص در نوول ای. آ. گونچاروف است. نام ابلوموف یادآور لختی، رکود و انفعال است.

۸. کارل مارکس، مقدمه‌ای بر نقد اقتصاد سیاسی، مسکو، ۱۹۷۰، ص ۲۱.

۹. پلخانف از یک مقاله بی‌امضای «زمیلیاویا» (زمین و آزادی) نقل می‌کند

که در زمیایولیا شماره ۱، ۱۲۵ اکتبر ۱۸۷۸ انتشار یافت.

۱۰. مکتب منچستر گرایش در اقتصاد سیاسی نیمه سده نوزدهم انگلیس، هواداران این مکتب (سوداگران آزاد) مبین منافع بورژوازی صنعتی بودند و از تجارت آزاد و عدم دخالت دولت در زندگی اقتصادی دفاع می کردند.
۱۱. مؤلف یادداشت‌هایی در باره «میل»، ن. گ. چرنیشفسکی بود.
۱۲. اشاره است به شعر ریله‌یف شهروند.
۱۳. ایوان پرمولا یویچ - یکی از اشخاص در یک رشته داستان‌ها نوشته ل. ای. اوسپنسکی، دهقان و کاراو.
۱۴. گوآیتسیم، اصلی اخلاقی و مذهبی که بر خوردی صوفیانه، تأملی به زندگی، انفعال و تسلیم کامل به «مشیت الهی» را تبلیغ می کند.
۱۵. «اسویستوک» (صفیر) بخش فکاهی در ماهنامه «سوره منیک» (معاصر)، (۶۶ - ۱۸۲۶)، که دابرولیووف در آن نقش اصلی را بر عهده داشت. در صفحات آن، خوش بینی میان تهی لیبرال‌ها و ناشایستگی شان برای مبارزه فعال به شدت مورد استهزاء قرار می گرفت.
۱۶. اشاره است به مقاله ب. ب. گلینسکی «جوانی و رهبران آن» منتشره در شماره ۱۱۲ «یستورچسکی وستنیک» «مبشر تاریخی» سال ۱۸۹۵.

در تبیین ماتریالیستی تاریخ

این مقاله نقدی است بر کتاب مطالعاتی در نگرش ماتریالیستی به تاریخ نوشته فیلسوف مارکسیست ایتالیایی آنتونیولا بری یولا که در سال ۹۷ - ۱۸۹۵ در رم انتشار یافت. مقاله پلخائف برای نخستین بار در ماهنامه روسکویه اسلووو (واژه نو)، شماره ۱۲ سال ۱۸۹۲ و به امضای ن. کامنسکی چاپ شد.

۱. اشاره به هواداران روش ذهنی در جامعه‌شناسی است که سرشت عینی قوانین تکامل اجتماعی را انکار می کردند و تاریخ را به فعالیت افراد

قهرمان و شخصیت‌های برجسته فرو می‌کاستند.

۲. در متن اصلی، پلخانف برای گریز از سانسور تزاری به جای نام مارکس «آموزگار برخی مریدان روسی» و نیز به جای واژه مارکسیسم، همد جا «مریدان» آورده است.
۳. کتاب مشترک مارکس و انگلس، «خانواده مقدس یا نقدی بر نقد انتقادی» علیه برونوبانر و شرکاء در ۱۸۴۵ در فرانکفورت انتشار یافت. کتاب مارکس «مقدمه‌ای بر انتقاد از اقتصاد سیاسی» که در پیشگفتار آن جان کلام ماتریالیسم تاریخی مطرح شده است، در سال ۱۸۵۹ منتشر شد.
۴. عبارت «انار اقتصادی» را ن. ک. میخائیلوفسکی در مقاله خود «ادبیات و زندگی» در مجله روسکویه بوگاتستوا (ثروت روسیه) به کار برد.
۵. نگرشی ایده‌آلیستی در باره اقتصاد یا مصلحت در طبیعت یعنی در طبیعت و در کل جهان همه چیز متضمن مقصود و غایت است.
۶. منظور پل لافارگ است که در جزوه «ماتریالیسم اقتصادی مارکس»، اندیشه‌های مارکس را عامه فهم کرده است.
۷. پلخانف شکست ایتالیا در جنگ تجاوزکارانه ایتالیا با ائتیوپی را با پیروزی رومی‌ها در کارتاژ - یکی از غنی‌ترین مراکز تجاری در آفریقای شمالی - در طی جنگ‌های قرطاجنه سده‌های سوم و دوم پیش از میلاد مقایسه می‌کند.
۸. منظور کارل مارکس است.
۹. جنگ‌های مذهبی دائمی میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌های فرانسوی در سده شانزدهم.
۱۰. اشاره پلخانف به نمایندگان اصلی اسلوب سوبژکتیویستی در جامعه‌شناسی ن. ک. میخائیلوفسکی و پیروان اوست.
۱۱. اشاره است به کمدی گوگول با زرس کل.

۱۲. پلخائف اظهارات میخائیلوفسکی را تکرار می‌کند. پلخائف آراء وی را در کتاب خویش «تکامل نگرش مونیستی به تاریخ» مورد نقدی گزنده قرار داده است.

۱۳. اشاره است به نیکلای «دانیلسن» که در میان نارودنیک‌ها بد عنوان مارکسیست شهرت داشت. وی در کتاب خود مقالاتی در باب اقتصاد اجتماعی ما پس از فرم که در ۱۸۹۳ انتشار یافت همه را دعوت کرد که مستقیماً و بلادرنگ و با اجتناب از سرمایه‌داری، برای اتحاد کشاورزی و صنعت وابسته به آن، در دست‌های تولید کنندگان... برقراری تولید اجتماعی بزرگ بر بنیاد کمون دهقانی کوشش کنند. به باور نارودنیک‌ها این کتاب باید مارکسیست‌های روسی را شرمسار کند که مارکسیسم را - به اصطلاح - تحریف کرده‌اند.

تذکراتی چند پیرامون تاریخ

این مقاله را پلخائف در نقد کتاب لاکومبه بنیان‌های جامعه شناسانه تاریخ نخستین بار در روزنامه سامارسکی وستیک شماره ۸، ۱۱ ژانویه و شماره ۱۰ و ۱۴ ژانویه ۱۸۹۷ با امضای مستعار بوچاروف انتشار داد که بعداً در ۱۹۰۶ به عنوان پیوستی به چاپ چهارم کتاب پلخائف تکامل نگرش مونیستی به تاریخ تجدید چاپ شد.

۱. آگوست کنت، باید گذار پوزیتویسم معتقد بود که زندگی اجتماعی مبنی بر تکامل ذهنی است که از سه مرحله خداجویانه، مرحله متافیزیکی (فلسفی) و مرحله اثباتی گذشته است. کنت مرحله اثباتی را مرحله‌ای حقیقاً علمی می‌دانست. این مرحله که در سیستم کنت به حد اکمال خود رسید، با تسلط روابط بورژوائی مقارن بود.

۲. اون و پیروان وی برای اثبات عملی بودن نقشه‌های سوسیالیستی خیالگرایانه‌شان، چند بار کوشیدند در امریکا و برخی کشورهای دیگر

- ، کلنی‌های اشتراکی، (هماهنگی جدید آون و جز آن) تشکیل دهند.
۳. روز ۱۴ اکتبر ۱۸۰۶ ارتش‌های ناپلئون سپاهیان پروسی را دریناتارومار ساختند و چند روز بعد برلین را به تصرف در آوردند.
۴. مؤلف نظام حقوق اکتسابی، فردیناند لاسال، پایه‌گذار و رهبر اتحادیه عمومی کارگران آلمان بود.

نقش شخصیت در تاریخ

- این مقاله نخستین بار در ماهنامه بررسی علم شماره ۳ و ۴ سال ۱۸۹۸ انتشار یافت.
۱. نویسنده روسی، یکی از نمایندگان جناح راست نارودنیک‌های لیبرال (۱۸۹۳ - ۱۸۴۸).
 ۲. مراد ن. کد. میخائیلفسکی، جامعه‌شناس لیبرال روسی است (۱۹۰۴ - ۱۸۴۲).
 ۳. کوآیتسیم، برخوردی صوفیانه به زندگی، چشم‌پوشی از فعالیت انسان و توکل به خداوند و نیز‌گرایی در مذهب کاتولیک که در سده ۱۷ به وجود آمد.
 ۴. فانتالیسم عقیده‌ای که به موجب آن همه چیز در جهان و زندگی انسانی به وسیله سرنوشت از پیش مقدر شده است.
 ۵. مراد مارکسیسم است.
 ۶. در اصل، این لقب در ادبیات آلمانی رواج داشت و انگلیس به نقل از هاینه شاعر بزرگ آن را به برخی روشنفکران پرمدعای آلمانی که هر یک خود را یک ژنوس المپی می‌پنداشت نسبت می‌دهد. این لقب را بعدها پلخانف و لنین به سوسیال دمکرات‌هایی که به دنبال بورژوا لیبرال‌ها دوان بودند، دادند.
 ۷. اشاره است به داستانی از تورگنیف به نام «مملکت ولایت شیگروف».

۸. در آلیسم، عقیده بد اینکه عوامل مادی و خواص ذهنی از دو منشأ جداگانه هستند و در تکامل جامعه بد یک نسبت واحد مؤثرند. م.
۹. مونیسم، عقیده بد اینکه در تکامل جامعه و جهان بد طور کلی یک عامل تعیین کننده و منشأ سایر عوامل است. م.
۱۰. یکی از قهرمانان داستان گوگول نویسنده نامدار روس بد نام یک پالتو.
۱۱. اشاره است بد جنگ فرانسه و پروس ۷۱ - ۱۸۷۰ که در آن، فرانسه شکست یافت و سپس ارتش پروس برای سرکوبی کمون پاریس بد کمک فرانسه شتافت. م.
۱۲. *Le Globe* مجله‌ای که در ۱۸۲۴ در پاریس تأسیس شد و در سال ۱۸۳۲ انتشار آن متوقف گشت.
۱۳. اشاره است بد جنگی که در سال‌های ۴۸ - ۱۷۴۰ میان اطریش، بریتانیا، هلند و روسیه از یکسو و پروس، اسپانیا، فرانسه و برخی دولت‌های محلی ایتالیا و آلمان در گرفت. پس از مرگ امپراطور کارل ششم، مخالفان اطریش بر بخشی از سرزمین‌های اطریش ادعا داشتند. در نتیجه سیلزی از زیر حاکمیت اطریش در آمد.
۱۴. بد موجب شرایط پیمان صلح اکس لاشاپل (۱۸۶۸) فرانسه همه قلمروهای متصرفی خود در هلند را واگذار کرد.
۱۵. جنگی ۷ ساله (۶۳ - ۱۷۵۶) میان دو گروه دولت‌ها روی داد: از یک سو پروس، بریتانیا و پرتغال و از سوی دیگر فرانسه، اطریش، روسیه، ساکسونی و سوئد. علل عمده جنگ کوشش اطریش برای باز پس گرفتن سیلزی از پروس و نیز رقابت انگلیس و فرانسه بر سر مستعمرات در کانادا و هند بود. جنگ کانادا و هند را نصیب بریتانیا کرد.
۱۶. مراد الیزابت پروونا ملکه روسیه است. م.
۱۷. جلوس پتر سوم بد سلطنت روسیه که فردر یک دوم را محترم می داشت، و خودداری روسیه از ادامه جنگ با پروس حفظ سیلزی را برای پروس

تسهیل کرد.

۱۸. در روز ۲۱ ژانویه ۱۷۹۳ لونی شانزدهم پادشاه فرانسه به وسیله گیوتین اعدام شد.

۱۹. حزب بورژوازی بزرگ در زمان انقلاب فرانسه.

۲۰. ارتجاع ترمیدور، دوره ارتجاع سیاسی و اجتماعی پس از کودتای ضد انقلابی نهم ترمیدور (۲۷ ژانویه ۱۷۹۴) فرانسه است که به دیکتاتوری ژاکوبین‌ها پایان داد و رهبر آن روبسپیر به گیوتین سپرده شد.

ترمیدور، فلوریل، پراربال، مسیدور و جز آنها نام ماههای تقویم جمهوری است که در پاییز ۱۷۹۳ در کنوانسیون فرانسه مقرر گردید.

۲۱. نبرد آرکول در ۱۵ تا ۱۷ ماه نوامبر ۱۷۹۶ میان ارتش‌های فرانسه و اطریش در گرفت.

۲۲. هژدهم برومر (نهم نوامبر ۱۷۹۹) روز کودتای ناپلئون بناپارت است. رژیم کنسولی جانشین دایرکتوار (مدیریت) شد و در پی آن، امپراطوری ناپلئون بناپارت در فرانسه استقرار یافت.

۲۳. دایرکتوار، حکومتی که در پی کودتای نهم ترمیدور در فرانسه تأسیس شد و از اکتبر ۱۷۹۵ تا نوامبر ۱۷۹۹ دوام داشت.

سیری در تحول فلسفه تاریخ

رشته گفتارهایی است که پلخائف برای کارگران سوئسی و ایتالیائی و برخی نمایندگان روشنفکران ژنو و روسیه در ماه مارس ۱۹۰۱ ابراد کرده است. این گفتارها نخست در سال ۱۹۲۶ در ماهنامه فرانسوی

La nouvelle revue Socialiste انتشار یافت.

توضیحات این مقاله در پانویس صفحات آمده است.

ما می توانیم از جامعه شناسی پاسخ این پرسش را بخواهیم که : چرا انسانها در تلاش
برای ارضای نیازهایشان - علاوه بر نیاز به خوراک - زمانی به نوع معینی روابط متقابل وارد
می گردند و هنگامی به نوع دیگر؟ جامعه شناسی - در شخص مارکس - این کیفیت را
همچون نتیجه تکامل نیروهای مولد انسان تبیین می کند . اکنون این پرسش پیش
می آید : آیا تکامل این نیروها نه فراداد انسانی یا نه اهدافی که انسانها در پی آنند
بستگی دارد؟

به این پرسش جامعه شناسی باز در شخص مارکس پاسخ می دهد خیر ، بستگی ندارد .
اگر چنین بستگی ای وجود ندارد پس این به معنی آن است که این نیروها به واسطه
ضرورت معینی در وجود می آیند ، ضرورتی که به وسیله شرایط معینی که برای انسان
مختار می آید تعیین می شود . (از متن کتاب)



شابک : ۳ - ۶ - ۹۳۶۴۴ - ۹۶۴
ISBN - 964 - 93644 - 6 - 3

Center Design: Amirhossein Mirzaei